خبر

باهنر:

گزینه‌های مطرح‌شده برای انتخابات نماینده هیچ تشکلی نیستند

■ **مهر:** دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین با اشاره به کاندیداهایی که نامشان تاکنون برای انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح شده است، گفت: گزینه‌های مطرح‌شده برای انتخابات خود احساس تکلیف کرده‌اند و نماینده هیچ تشکلی از جمله جبهه پیروان نیستند. محمدرضا باهنر در مراسم ضیافت افطاری جامعه اسلامی مهندسین، اظهار کرد: این مراسم مراسمی سنتی است و ما معمولا هر سال این مراسم را در دانشگاه امام صادق(ع) برگزار می‌کردیم ولی به دلیل اینکه این دانشگاه در دست تعمیرات است امسال این مراسم در سازمان فرهنگ و ارتباطات برگزار شد. وی همچنین با اشاره به انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده، گفت: در انتخابات پیش‌روی ریاست‌جمهوری ما همه تلاش‌مان را برای وحدت انجام می‌دهیم. ولی نیروهایی که در حال حاضر برای انتخابات مطرح هستند از طرف خودشان آمده‌اند. باهنر افزود: کسانی که اسم‌شان تاکنون برای انتخابات مطرح بوده خود احساس تکلیف کردند خب ما هم از این افراد تشکر می‌کنیم که آمدند و فضا را گرم می‌کنند؛ ولی اینکه گفته می‌شود یک نفر نامزد جبهه پیروان یا سایر تشکل‌هاست، درست نیست و تاکنون در مورد مصادیق کاندیدا صحبتی نکرده‌ایم و تاکنون هم از کسی حمایت به عمل نیاورده‌ایم. دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین با بیان اینکه برخی ملاقات‌ها که انجام می‌شود معنا و مفهوم خاصی ندارد و در جهت تایید یا رد کسی نیست، گفت: البته کسانی که به میدان آمده‌اند قابل احترام‌اند ولی کاندیداهای تشکل‌های مورد نظر ما هنوز اعلام نشده‌اند. وی خاطرنشان کرد: برخی اعضای تشکل ما حرف‌هایی می‌زنند که حرف‌های خوبی است ولی حرف تشکل نیست؛ بلکه حرف خودشان است.

ارتش، سپاه و مجلس مباحث مرتبط با تنگه هرمز را بررسی می‌کنند

■ **ایسنا:** آخرین مباحث مرتبط با سواحل جنوب شرق، دریاهای آزاد، دریای عمان، تنگه هرمز و خلیج‌فارس با حضور فرماندهان نیروی دریایی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جلسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین اعضای این کمیسیون ضمن بررسی و مروری بر آخرین تحولات و اخبار مرتبط، طرح تقویت مرزبانی جمهوری اسلامی ایران (اعاده شده از شورای نگهبان) را نیز بررسی می‌کنند.

اسماعیلی:

دولت از اجلاس عدم تعهد برای مقابله با تروریسم هسته‌ای استفاده کند

■ **فارس:** عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس با اشاره به تلاش دشمنان انقلاب برای متوقف کردن ایران با تروریسم هسته‌ای، از دستگاه دیپلماسی خواست از ظرفیت میزبانی اجلاس عدم تعهد برای روشنگری در قبال تروریست‌ها استفاده کند. نماینده زنجان به تروریسم هسته‌ای علیه ملت ایران اشاره کرد و گفت: مدعیان حقوق بشر برای مقابله با دستاوردهای علمی ملت ایران، تروریسم هسته‌ای به راه انداخته‌اند و به موجب آن برای ترور دانشمندان هسته‌ای ایران برنامه‌ریزی می‌کنند و رسما می‌گویند که به دنبال دست‌کاری در تاسیسات هسته‌ای ایران هستند. وی افزود: البته تمام اقدامات تروریست‌ها علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران ناکام مانده است و دانشمندان ایرانی، ویروس‌های ارسالی به تاسیسات هسته‌ای را ناکام گذاشته‌اند منتها این نباید دلیلی برای عدم پیگیری حقوقی این موضوع باشد. اسماعیلی گفت که ترور دانشمندان هسته‌ای نه تنها موجب عقب‌نشینی ملت ایران نشده، بلکه استقبال از تحصیل در رشته‌های هسته‌ای در دانشگاه‌ها بیشتر شده است که این نشان‌دهنده شکست تروریست‌ها در رسیدن به اهداف ترور دانشمندان ایرانی است. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با بیان اینکه ایران باید در مجامع بین‌المللی از حقوق هسته‌ای خود علیه تروریست‌های هسته‌ای اقامه دعوی کند، خاطرنشان کرد: غربی‌ها با حمایت رسمی از تروریسم هسته‌ای، نظم جهان را به هم ریخته‌اند و فکر می‌کنند هر اقدامی که مطابق میل آنها باشد، در تمام دنیا باید اجرا شود. نماینده زنجان از وزارت خارجه خواست نسبت به اقدامات تروریست‌های هسته‌ای علیه ملت ایران روشنگری کرده و افکار عمومی جهانیان را نسبت به رفتار تروریست‌ها آگاه کند. وی با اشاره به برگزاری اجلاس کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در تهران، گفت: گرچه کشورهای جنبش عدم تعهد در مقابل زیاده‌خواهی‌های آمریکا و غرب در قبال ایران، مقاومت کرده‌اند اما لازم است دستگاه دیپلماسی ما از ظرفیت میزبانی اجلاس عدم تعهد در مقابل اقدامات تروریست‌های هسته‌ای استفاده کند.

اقتصاد بدون نفت با برنامه‌ریزی محقق می‌شود

■ **ایسنا:** یک نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی گفت: رسیدن به اقتصاد بدون نفت، یک‌شبه میسر نمی‌شود اما می‌توان برای رهایی از اقتصاد وابسته به نفت برنامه‌ریزی کرد، به شرط آنکه عزم جدی وجود نداشته باشد. داریوش قنبری، با بیان اینکه «اقتصاد بدون نفت در گذشته در کشور ما تجربه شده است»، اظهار کرد: در دوران مصدق، اقتصاد بدون نفت را تجربه کرده‌ایم اما باید میان شرایط آن زمان و امروز تفاوت قایل شویم. وی توضیح داد: در دوران مصدق، ایران کشوری کمتر متکی به واردات بود و جمعیت محدودتری داشت اما امروز کشوری هستیم که عمده نیازهایمان را از طریق واردات تامین می‌کنیم و جمعیت هم چند برابر شده است؛ پس شرایط فرق کرده و با توجه به اینکه زیربنای اقتصاد ما طوری تنظیم شده که همه چیز وابسته به نفت است، بحث اقتصاد بدون نفت خیلی نمی‌تواند جوابگو باشد. قنبری با اشاره به اینکه «ایران سالانه ۶۸میلیارد دلار واردات دارد که عمده آن با تکیه بر درآمدهای نفتی است»، گفت: کشوری با این حجم عظیم واردات اگر بخواهد یکدفعه، نفت را به عنوان مولفه‌ای مهم از اقتصاد خود خارج کند با مشکلاتی مواجه خواهد شد. این نماینده مجلس هشتم خاطرنشان کرد: با توجه به اینکه گردش کار اکثر صنایع ما به نحوی وابسته به اقتصاد نفتی است، در صورت حذف نفت از اقتصاد، این صنایع نخواهند توانست به کارشان ادامه دهند.

میرمحمود موسوی در گفت‌وگو با «شرق»

تلاش چندساله دیپلماسی با یک جمله نسنجیده، هدر می‌رود

ادامه از صفحه اول

نقش حکومت‌ها در این میان چیست؟

نقش دولت‌ها قابل‌توجه است که چقدر این روند را تسهیل و همراهی می‌کنند یا نقش تحدیدکننده دارند. صدالبته این پیوندها که خوب و مبارک نیز است، با کمک دولت‌ها می‌تواند هرچه بیشتر گسترش یابد. حال می‌توان بررسی کرد که در ۳۰ و چند سال گذشته، رفتار ایران در قبال کشورهای منطقه، رفتاری در جهت تسهیل تعاملات میان ملت‌ها بوده، بی‌تفاوت بوده‌ایم یا حتی موانعی نیز ایجاد کردیم؟

برای پاسخ به این پرسش نیازمند دوره‌بندی دولت‌ها هستید یا اینکه روند سیاست خارجی منطقه‌ای، تغییری نداشته است؟

بله، حتما نیازمند این تفکیک هستیم اما عوامل مختلفی در استراتژی دولت‌ها اثر دارد. اغلب میان سیاست‌های اعلام‌شده و اجرایی فاصله وجود دارد. تصور می‌کنم اعلام اینکه ما می‌خواهیم با کشورهای منطقه رابطه داشته باشیم، در ظاهر با استقبال همگان مواجه می‌شود اما این کافی نیست و باید گام‌هایی عملی نیز برداشت. من قایل به این هستم که اگر چنین کار مهمی بخواهد انجام شود، حتما باید برنامه‌ای وجود داشته باشد که حتی با عوض شدن حکومت‌ها نیز تغییر نکند. حکومت پهلوی، در شکل‌دهی این روابط به گونه‌ای عمل می‌کرد و بعد از انقلاب، روابط با همسایگان متفاوت شد. در زمان حکومت پهلوی عمدتا جنس این روابط در جهت برتری، «آقایی» منطقه و در بستر جهان دوقطبی بود و شاه به عنوان مدافع منافع بلوک غرب در منطقه نیز عمل می‌کرد. ما در سال‌های اولیه بعد از انقلاب قدم‌هایی در جهت تغییر این رویه برداشتیم. نوع نگرش جدید با حکومت پهلوی متفاوت بود. قصد تعامل بود و نمی‌خواستیم نسبت به کشورهای دیگر، برتری‌جویی داشته باشیم. اگرچه حمله عراق به ایران به طور موثر و جدی، شرایط منطقه را عوض کرد و به صف‌بندی‌هایی رسیدیم که برای سیاست منطقه‌ای ما مضر بود. عامل دیگری که مانند سم مهلک بر این سیاست اثر گذاشت، اشغال افغانستان توسط شوروی بود که این عمل اوضاع منطقه را به‌شدت تحت تاثیر قرار داد. بنابراین در دهه ۶۰ ایران هم در مرز غربی با عراق درگیر بود که قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی پشت آن جمع شده بودند و با ایران می‌جنگیدند و از آن سو، ابرقدرت شوروی در افغانستان حضور پیدا کرده بود و در چارچوب جهان دوقطبی، گام دیگری را برای دسترسی به آب‌های گرم برداشته بود. پس سیاست منطقه‌ای ما از دو سو تحت تاثیر قرار گرفت. دیگر نمی‌توانستیم با افغانستان تحت اشغال که بخش مهمی از مرز شرقی ما را تشکیل می‌داد یا با عراق متجاوز در مرز غربی، به شکل عادی رابطه داشته باشیم.

در دولت نهم اعلام شد که سیاست گردش به شرق و دیپلماسی منطقه‌ای و همچنین حضور در آنچه حیاط‌خلوت آمریکا در آمریکای جنوبی نامیده شد، در دستور کار است اما حداقل در حوزه منطقه‌ای به ویژه پنج کشور موضوع گفت‌وگو یعنی افغانستان، پاکستان و سه همسایه شمالی، تحرک خاصی دیده نمی‌شود. چرا شعار گردش به شرق به چنین نقطه‌ای رسید؟

از آنجایی که بررسی ۳۰ سال روابط فرصت زیادی می‌طلبد، فعلا من فقط به آخرین وضعیت اشاره گذرا می‌کنم. برای اینکه دچار ذهنی‌گرایی نشویم و از واقعیت‌ها دور نیفتیم، کافی است فقط به روابط ایران و افغانستان در دو، سه ماه اخیر کمی متمرکز شویم. اخیرا توافقنامه افغانستان با آمریکا و موضع دولت ایران در این رابطه نوعی تنش را پدید آورده است. پیش از آن در نوروز، نشست ایران و چند کشور از جمله کشور افغانستان در دوشنبه برگزار شد. مشخص نیست چرا باید یک ماه بعد از آن این سطح از تنش با افغانستان پدید آید و دستاورد آن نشست نوروزی چه بوده است؟ موضوع مواد مخدر و سپس منع حضور اتباع افغان در پارکی در اصفهان و استان مازندران رخ داد که مشخص نیست در کدام دستگاه سیاسی برای آن تصمیم‌گیری شده و آیا به نفع و ضرر ملی توجه شده یا اظهارنظر راجع به موضوعاتی که در حوزه دستگاه دیپلماسی کشور است در حد شهردار و استاندار است؟ مساله مهاجرین در وزارت کشور و خارجه سوابق طولانی دارد. این موضوع مساله‌ای استانی نیست بلکه با حیثیت ملی در ارتباط است. کشور ما در طول ۳۰ سال گذشته برای میزبانی از میلیون‌ها نفر افغان میلیاردها دلار هزینه کرده است که متاسفانه با اقدام یک فرد ناآشنا به امور سیاست خارجی آن هزینه‌ها و آثار مثبت آن به باد فنا می‌رود. این نمونه‌ای از بی‌ضابطه و همچنین بی‌برنامه بودن است. با بررسی این روابط، اتفاق ویژه‌ای پیدا نمی‌کنیم که ناظران سیاسی را راهنمایی کند؛ مثلا نقشه راهی وجود داشته که از نقطه الف به نقطه ب برسیم.

این اتفاق از چه رویکردی ناشی می‌شود؟

اجازه دهید این‌گونه بگویم که درباره این چندهمسایه، برنامه‌ای برای تنظیم روابط نمی‌بینیم. صرف میل داشتن حاصلی ندارد. ایجاد یا گسترش روابط، بسیار امر پیچیده‌ای است که بر اساس میل، شکل نمی‌گیرد. باید سیاست‌گذاری، نیروی انسانی مناسب، برنامه‌ریزی، نقشه راه، طراحی دیپلماسی مرتبط با شرایط هر کشور، رفت‌وآمد، تهیه اسناد برای تنظیم همکاری و موظف کردن دستگاه‌های دیگر برای پیروی از این مجموعه، همه در کنار هم دیده شود.

منتقدان تکیه صرف بر سیاست‌های منطقه‌ای اعتقاد دارند هر زمان روابط ما با قدرت‌های فرامنطقه‌ای دچار تنش شده است، چون کشورهای منطقه، هر کدام خود را در منظومه‌ای تعریف می‌کنند، پس دیپلماسی منطقه‌ای بی‌نتیجه می‌شود. مدافعان سیاست منطقه‌ای صرف، در سوی مقابل مدعی هستند که این رابطه از کشورهای ثالث اثر نمی‌پذیرد. کدام دیدگاه درست است؟

اگر بگوییم هیچ تاثیری ندارد، خطا است و اگر بگوییم فقط عامل خارجی در روابط میان ایران و همسایگان اثر دارد نیز تحلیلی اشتباه ارایه شده است. به هر حال هیچ فرد عاقلی توصیه نمی‌کند روابط به همسایگان محدود شود. روابط با قدرت‌ها و کشورهای غیرمنطقه‌ای نیز اهمیت خودش را دارد. هرکدام مغفول بماند، اشتباه است. نکته مهم دیگر ترتیب اهمیت است. عرض بنده این است که اهمیت روابط با همسایگان بسیار بالاست.

اما درخصوص روابط با ترکیه، این مساله دیده شده و البته درباره روابط با عراق، افغانستان، روسیه و دیگران نیز به همین شکل بود. روابط این کشورها با غرب به ویژه ایالات متحده، شرایط ایران را در رابطه دوسویه با هر یک از آنها، به طور متناوب تغییر می‌دهد.

بله، اشاره کردم که عامل خارجی نیز اثرگذار است. مثلا موضوع هسته‌ای ایران درگذشته در روابط دوجانبه ایران و ترکیه مطرح نبود اما تاثیر خود را بر روابط ما به‌همراه داشت. موضوع بحران در سوریه، در ابتدا چگونه می‌شد ارتباطی با رابطه ایران و ترکیه داشته باشد؟ اما حتی برگزاری اجلاس موسوم به «دوستان سوریه» در استانبول، به معضل تبدیل می‌شود. ما در مساله کردستان، سال‌هاست که با طرف‌های ترک تبادل‌نظر می‌کنیم. مساله ارمنستان، مساله آذربایجان، مساله فلسطین و ده‌ها مطلب دیگر هر کدام موضوعی است و همه اینها بر روابط دو کشور اثر مستقیم دارد. حال به این مجموعه رابطه ترکیه با آمریکا را هم اضافه کنید. کار سیاست خارجی همین است که برای این مجموعه پیچیده طرحی بریزد که بیشترین سودآوری را برای کشور داشته باشد. با لحاظ کردن این نکته مهم که ده‌ها رقیب دیگر در صحنه حضور دارند که با ابزار مختلف و هنرمندانه به دنبال منافع خود هستند.

چرا برخی رفتارهای دستگاه سیاست خارجی، واکنشی است؟ مورد مثال چگونگی روبه‌رو شدن با مساله ترکیه است؟

شما وقتی صعود و نزول غیرعادی در قیمت دلار، طلا و مسکن را می‌بینید در علت قضیه و شیوه و برخورد با آن، تردید می‌کنید. دنیا با علم و تجربه خود، این‌گونه امور را اداره می‌کند و منطقی نیست در عرض چند روز، ارزش پول کشوری ۵۰ درصد افت کند. شاید این وضعیت می‌تواند به حوزه سیاست خارجی هم سرایت کرده باشد. با ۳۰ سال تجربه در سیاست خارجی می‌دانیم، برای ایجاد یک رابطه خوب و مناسب، سال‌ها باید بسیار ریز و مینیاتوری تلاش شود تا به‌طور مثال رابطه با ترکیه ساخته شود اما خیلی راحت و غیرمسوولانه فردی که شاید آشنا با سیاست خارجی هم نیست زحمت چند ساله دستگاه را با یک جمله از بین می‌برد. در حوزه فرهنگ هم همین‌گونه است. همه جای این بدن به هم مرتبط است. در صحنه اقتصادی در افغانستان و ترکیه ظرفیت‌های متفاوتی وجود دارد که به اقتصاد ملی ما وصل می‌شود و ما به دلیل بی‌برنامگی اقتصادی در داخل، نمی‌توانیم از آن استفاده کنیم. در عرصه فرهنگی در آسیای مرکزی فرصت‌هایی هست که مغفول می‌ماند چون هنوز استراتژی فرهنگی ما نامشخص است. مثالی عرض کنم. ۲۷ سال پیش که در سمت سفارت ایران در پاکستان بودم، سفیر ترکیه به من می‌گفت به لباس چینی‌ها که نگاه می‌کردیم (هنوز چین جدید شکل نگرفته بود) دیدیم از بالا تا پایین دکمه دارند. در ترکیه به این نکته رسیدیم اگر دکمه هم تولید و به چین یک‌میلیارد نفری صادر کنیم چه ظرفیتی دارد! این کشف فرصت اقتصادی است. چند سال پیش خواندم تایوان، سالانه ۱۰ میلیارددلار دمپایی صادر می‌کند. در روابط خارجی فردی جمله‌ای را علیه ترکیه می‌گوید در حالی که اهمیت این روابط را نمی‌داند، حزب عدالت و توسعه را سابقه چندهزار ساله روابط دو ملت را نمی‌شناسند و با معلومات اندک و ناقص خود، جمله‌ای را مثل تیر به روابط دو کشور ایران و ترکیه یا حتی افغانستان، عربستان و... پرتاب می‌کنند که تبعات آن ممکن است دامن منطقه ما را بگیرد. دیپلماسی موفق، برای کل منطقه رفاه و توسعه به بار می‌آورد. در حوزه پنج همسایه‌ای که شما اشاره کردید، کار شده است اما اکنون توجه لازم به تخصص‌ها، فرصت‌ها و... وجود ندارد. قطعا دیپلماسی منطقه‌ای و روابط با همسایگان که در مرکز روابط منطقه‌ای قرار دارند، در سیاست خارجی هر کشوری جایگاه ویژه‌ای دارد. من در هند و پاکستان سفیر بودم و به تجربه دیدم در دستگاه سیاست خارجی برای حوزه همسایگان، چه اهمیتی قایل هستند.

این اثرپذیری متقابل همسایگان از یکدیگر، چه نفع و ضرری را متوجه ما می‌کند؟

آثار مثبت و منفی دارد. مثلا ما در زمانی که طالبان در کابل در قدرت بودند و آنها را هرگز به رسمیت نشناختیم، رفتیم هزینه کرده مردم افغانستان را واکسینه کردیم تا مریضی مسری وارد ایران نشود. همسایگی هم برای شما فرصت ایجاد می‌کند و هم تهدید. اگر بخواهد حمله‌ای شود، با استفاده از خاک همسایگان صورت می‌گیرد. اگر رابطه بد باشد، فرصت برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای فراهم می‌شود تا کل منطقه را ناامن کنند. آنچه در خلیج‌فارس، شرق و غرب و شمال توسط دیپلماسی ما باید دنبال شود، ساخت یک محیط امن بر پایه همکاری است تا اگر دشمنی هم در خارج از مرزها فعال است، نتواند به سادگی به ما نزدیک شود. آیا برزیل هم می‌تواند این کار را برای ما انجام دهد؟ قطعا خیر و البته این به معنی آن نیست که برزیل نادیده گرفته شود. نباید یکی را برای دیگری فدا کرد اما ترتیب اینها اهمیت دارد.

در ماجرای لشکرکشی به طالبان و سقوط افغانستان چرا ما با کشوری مثل آمریکا در افغانستان نمی‌توانیم بازی برد داشته باشیم؟

افغانستان در حال حاضر با آن سابقه‌ای که در گذشته دارد شرایط و مسایلش چنان با آمریکا و ناتو مخلوط شده که از هم تفکیک‌ناپذیرند و سیاست‌های ما در افغانستان در مواجهه با آمریکا و ناتو همان سیاست‌های پیشین است. ما پیش از حضور آمریکا در افغانستان در مورد رابطه با آمریکا سیاست‌گذاری کرده‌ایم و آنچه در حال حاضر در افغانستان نسبت به آمریکا و ناتو عمل می‌شود ادامه همان سیاست قبلی ماست. این سوال باید به آنجا برگردد که این نوع رابطه با آمریکا و ناتو سیاست درستی است یا خیر. ناخشنودی ما از حضور ناتو در کنار مرزهایمان منطقی است. تلاش جدی منطقه‌ای برای حل مشکلات افغانستان می‌تواند بهانه حضور ناتو در این منطقه را از میان ببرد.

با همه این اوصاف آیا نمی‌توانیم در آن حوزه بخشی از منافع‌مان را حداکثری کنیم؟ آن هم با توجه به نفوذ زبانی، منطقه‌ای، دینی، مهاجران و فن دیپلماسی که ایران دارد؟

قضیه افغانستان بسیار پیچیده است. از یک طرف به ریشه‌های حضور استعمار انگلیس برمی‌گردد که دعواهای ارضی و مرزی به ارث گذاشتند و از طرف دیگر به مشکلات ناشی از توسعه نیافتگی در افغانستان و پاکستان. به این دو مطلب، ظهور و گسترش افراط‌گرایی دینی در سه دهه اخیر را هم اضافه کنید. کار بسیار دشوار است. به گمان من همکاری منطقه‌ای که پشتیبانی قدرت‌های فرامنطقه‌ای را داشته باشد در قالب یک برنامه درازمدت می‌تواند امکان دستیابی به ثبات و آرامش را در این منطقه ممکن کند. این امر نفع همه طرف‌ها به ویژه نفع مردم افغانستان را تامین می‌کند.

این به معنای یک اشتراک منافع در یک موضع خاص است.

بله، همین‌طور است و تصور من این است که سوال شما در این حوزه است و این برمی‌گردد به اینکه ما در افغانستان به دنبال چه هستیم؟ می‌خواهیم چه روابطی با افغانستان داشته باشیم؟ چه تعریفی از حضور آمریکایی‌ها و ناتو در آنجا داریم؟ پاکستان به دنبال چیست.

. بحث من این است که افغانستان یک فرصت است. مثلا همین الان در حوزه اقتصادی ما می‌توانیم اثرگذار باشیم و در قبال در اختیار گرفتن بخشی از درآمد افغانستان، نیروی انسانی و خدمات فنی مهندسی صادر کنیم و ارتباطات را افزایش دهیم. اگر این مساله با افغانستان و کشورهای خارجی حاضر در منطقه حل شود قطعا ایران نیز در این حوزه امکان تحمیل وضعیت خود را دارد و می‌تواند در این ماجرا دست برتر باشد.

واقعیت قضیه این است که روابط تجاری بین ایران و افغانستان وجود دارد. منتها آیا ما از تمام ظرفیت خود بهره برده‌ایم؟ قطعا این‌طور نیست. جمعیت افغانستان که حدود ۳۰تا ۳۵ میلیون نفر است مطمئنا در زمینه صادرات کالا و خدمات، بازاری را برای ما ایجاد کرده است.

حوزه مواد مخدر و اتباع افغان نیز وجود دارد.

آن یک بخش دیگر است. بحث جداگانه‌ای می‌طلبد.

اما همه این موارد با هم درگیر می‌شوند.

آن بخش‌های اجتماعی است که می‌توان به آن اشاره کرد. ما در حال حاضر می‌خواهیم به بررسی فرصت‌ها بپردازیم؛ اینکه در آنجا فرصت‌های زیادی وجود دارد ولی ما نتوانستیم از تمام ظرفیت خود بهره ببریم. در مواردی ممکن است به خاطر دشمنی که بین ایران و آمریکا وجود دارد فضا را برای یکدیگر محدود کرده و تعامل را برای هم سخت کنیم که این امری طبیعی است منتها همه چیز این نیست. بخشی نیز به سیاست‌های اقتصادی و تجاری ما برمی‌گردد و اینکه ما برنامه درستی برای روابط دو جانبه با کشورهای همسایه مورد بحث نداریم.

اما تنش‌های اخیر گویی از منبع واحدی نشات نگرفته‌اند. به نظر شما بهتر نیست ما روی نقاط قوت خود تکیه کنیم و برخی مسایل را به حوزه داخلی آن کشور واگذار کنیم؛ اینکه سعی کنیم اشتراکات را پررنگ کنیم نه نقاط اختلافات را، آن هم در مورد افغانستان که اخیرا در روابط‌مان کاهشی رخ داده است.

اینکه یک قرارداد استراتژیک با مقدمات خودش بین آمریکا و افغانستان بسته شود، با توجه به ماهیت آمریکا و شناختی که از منطقه داریم، قطعا این امر را مثبت نمی‌دانیم اما این مسایل به یکدیگر مرتبط است. مساله جدیدی هم نیست زیرا حداقل دو سال روی این سند کار شده است. اینکه اگر چنین قراردادی هم باشد بالاخره آثار و عوارضی دارد اما پیش از اینها باید به این امر رسیدگی کرد که آیا مساله افغانستان مساله‌ای نیست که بشود منطقه‌ای حل کرد؟ مسایل و مشکلاتی در منطقه وجود دارد که مثل ظروف پیوسته به هم ارتباط دارند. در مساله افغانستان یک پای قضیه پاکستان است، یک طرف دیگر ایران. افغانستان کشوری است که برای خود ظرفیت‌هایی دارد و طی ۳۰ و چند سال گذشته زمانی در اشغال شوروی و زمانی محل درگیری‌های فرقه‌ای و رقابت‌های منطقه‌ای دشمنان بوده، بعد از آن واگذار کردن این کشور به درگیری‌های خود که در دهه ۹۰میلادی اتفاق افتاده و سپس دوباره حضور آمریکایی‌ها و ناتو و اشتباهاتی که در برنامه‌های آمریکایی‌ها بوده که این قضیه منجر به رشد افراطی‌گرایی در افغانستان شده است. علاوه بر آن رشد و گسترش افراطی‌گری در پاکستان خطرش بیش از افغانستان است.

به نظر شما برای ما بهتر است که طالبان در افغانستان روی کار بیاید یا وضعیتی که در حال حاضر وجود دارد یعنی دولت منتخب مردم سر کار باشد و نیروهای ناتو و آمریکا نیز حضور داشته‌باشند؟

به اعتقاد من در دنیایی که ما داریم زندگی می‌کنیم، حکومت‌هایی که پشتوانه مردمی نداشته باشند هم برای مردم خود مشکل‌سازند، هم برای همسایگان‌شان. وقتی عقلانیت جمعی در کار باشد رابطه با قدرت‌های خارجی، چه دولت آمریکا باشد چه ایران و چه دیگران، تعریف مناسبی مطابق با منافع پیدا می‌کند. افغانستان می‌تواند با همسایگان خود مطابق با منافعش رابطه داشته باشد منتها این باید متکی بر این باشد که وقتی حکومت مردمی است دیگر ناچار نیست که به دیگران ایران، آمریکا یا پاکستان باج بدهد. طالبان از این خصلت برخوردار نیست بنابراین به نوعی متکی بر قدرت‌های خارجی است و نمی‌تواند خواسته‌های مردم افغانستان را برآورد کند. همین امر باعث می‌شود در درازمدت آینده افغانستان را نیز نادیده بگیرد.

ادامه در صفحه ۱۹

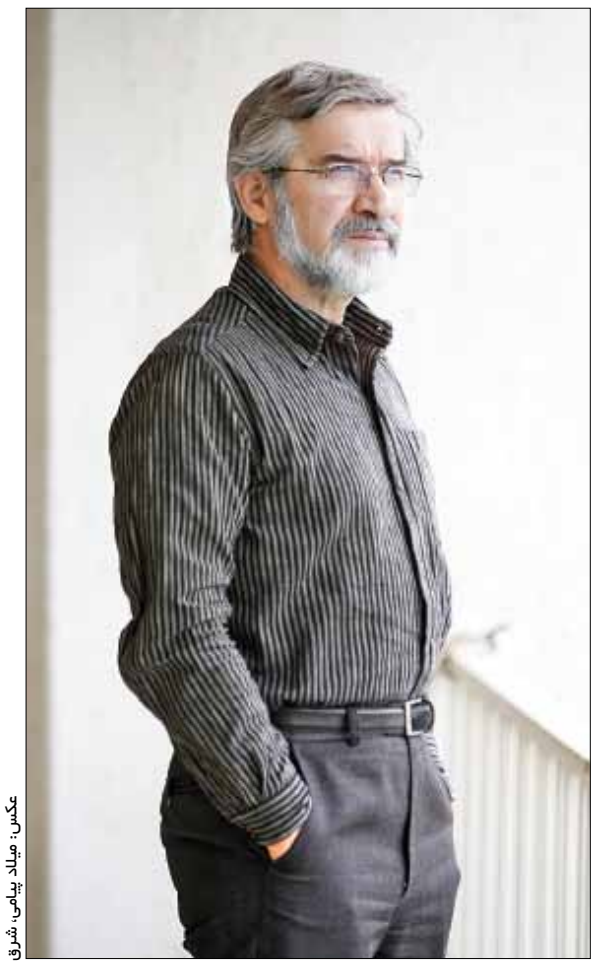

عکس: میلاد پیامی، شرق

الو شرق ۸۸۶۵۴۳۹۰
sharghline@sharghnewspaper.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

■ **گلایه کارمندان از عدم افزایش حقوق:** پنج ماه از سال گذشته هنوز افزایش حقوق کارمندان را اعمال نکرده‌اند. برخی از همکاران ما به بهانه افزایش حقوق یا وام یا اینکه از دوستان و آشنایان پول قرض گرفته‌اند.

یک فرهنگی از شهر مرزی مهران

■ **درخواست از شهردار فریدونکنار:** ساکنان خیابان‌های شهدا ۴ و طالقانی ۲ فریدونکنار از شهردار این شهر تقاضای آسفالت این خیابان‌ها را دارند. سال‌هاست که این خیابان‌ها بدون آسفالت است.

سیامک از فریدونکنار

■ **اتومبیل مزاحم و بی‌توجهی شهرداری:** در خیابان بهمن‌پور (میدان امامزاده چیذر) بیش از چهار ماه است اتومبیل سفیدرنگی به صورت افقی چسبیده به در پارکینگ پارک و رها شده و کاملا پیاده‌رو را بسته و عابران پیاده مجبورند از وسط خیابان باریک که فوق‌العاده خطرناک است عبور کنند. جالب اینکه شهرداری ناحیه ۸ درست روبه‌روی این ماشین است و کاری نمی‌کند. (ما یک گونی ماسه مازاد گذاشته بودیم بیرون، همین شهرداری سه‌بار در یک صبح تا ظهر تذکر دادند که فورا ببرید.)

یک مخاطب

■ **تبعیض در اجرای بخشنامه‌ها:** کاش همه بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها هم مثل بخشنامه حذف ارز مسافری با اعلام از رسانه‌ها اجرایی می‌شد و مسوولان در صدور و اجرای بخشنامه‌ها تبعیض قایل نمی‌شدند.

یک مخاطب

■ **حمل‌ونقل عمومی نامناسب فرودگاه امام:** چرا مسافران فرودگاه امام که در محیطی کویری و گرم واقع شده نباید از امکانات حمل‌ونقل عمومی مناسب مانند (اتوبوس و مینی‌بوس کولردار) برخوردار باشند و در ضمن باید مدت زیادی هم بابت پر شدن وسایل حمل‌ونقل عمومی وقت‌شان تلف شود.

یک مخاطب

■ در یک آپارتمان ۸۵متری ۳۶سال ساخت، در کریمخان مستاجرم و از سال ۹۰ چهارمیلیون رهن و ماهانه ۶۰۰هزار تومان کرایه می‌دهم. در سال ۹۱ مالک تقاضای پنج‌میلیون رهن و یک‌میلیون اجاره دارد. این با کجای عرف و انصاف و قانون و وجدان همخوانی دارد؟

■ از طرف شهرداری تهران به حقوق ماهانه کارگران زیرنظر شهرداری تهران (آتش‌نشانی، بازیافت، تاکسیرانی و...) ۱۰درصد حق جذب (در روز کارگر سال۸۸) و۱۸۰هزار تومان به جای۱۰هزار تومان حق مسکن اضافه شده که ما کارگران شرکت واحد تهران نیز خواهان این اضافه حقوق هستیم. لطفا به مسوولان بفرمایید رسیدگی کنند

لفتی